

معنی کلمات درس یازدهم فارسی پنجم

خانمان سوز : ویرانگر

مغولان : اقوامی زرد پوشت با چند طایفه که در قسمت آسیای شرقی بودند

سایه وحشت : اثر ترس ، نشانه ی بیم و هراس

هراس انگیز : ترسناک ، وحشتناک

قتل عام : کشتار گروهی ، قتل دسته جمعی

آشوب : فتنه ، شور و غوغا

هلاکو : اسم یکی از نوادگان چنگیز خان

قلب مردم را در هم فشرد : به کنایه مردم ایران را ناراحت کرد

دینار : سکه طلا ، پول و ثروت

مشاور : راهنما

زیرکانه : خردمندانه

ایجاد کند : به وجود آورد ، بسازد

عجیبی : شگفت آور

تشتی : ظرف های بزرگ و پهن

مامور کرد : کسی را به انجام کاری گذاشتن

قلعه : ساختمان محکم و بلند برای دفاع از

دشمن ساخته می شد

مهیب : ترسناک

گمان می کردند : تصور می کردند

حادثه ی ناگوار : پیش آمد ناپسند

حوادث : رویدادها ، اتفاق ها

پیش بینی : غیب گویی ، عاقبت اندیشی
امکانات : ابزارها و شرایط مناسب
جذب : چیزی را به سوی خود کشیدن ، کشش
رصدخانه : مکانی که در آن ستاره شناسان
ستارگان را مشاهده و بررسی می کنند
مراغه : نام شهری است
به کار گیرد : استفاده کند
شمار کتاب : تعداد
چیرگی : برتری ، تسلط
نسخه برداری : رونویسی کردن
همت : قصد و اراده
آثار : جمع اثر ، نشانه ها
از میان می رفت : نابود می شد
ولایت : سرزمین

تدبیر : اندیشیدن به منظور پیدا کردن راه حل
تاسیس کردن : بنا کردن ، پایه گذاری کردن
اداره می شدند : مدیریت می شدند
نظامیه : مدرسه های تاسیس شده توسط نظام الملک
تحصیل کرده است : درس خوانده است
تحقیق : مطالعه
پر فروغ : پر نور

مخالف کلمات درس یازدهم فارسی پنجم

سایه # آفتاب
پاک # آلوده
برخاست # نشست
اندوه # شادی
دشمن # دوست
نیازمند # بی نیاز
خواب # بیدار
معروف # گمنام
پرفروغ # کم فروغ

هم معنی کلمات درس یازدهم فارسی پنجم

قتل: قاتل ، مقتول
جامعه: جمع ، جوامع
حکومت: حاکم
عجیبک: عجب ، عجایب
حادثه: حوادث
مدارس: مدرسه ، درس
تحصیل: حاصل ، محصول
لطف: لطیف
عظمت: عظیم، معظم